روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۱۶ دی ۱۳۹۵ • ۶ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ • ۵ ژانویه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۶۹ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۷:۲۵ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

ماجرای عشق و عاشقی میدون

بفرما

پوریا عالمی

بابای سوفیا به ما زنگ زد و گفت: اگر می‌خواهی سوفیا را بهت بدهم، برو شاخ غول را بشکن.

گفتم: چشم. و دویدم و شاخ چپ غول را شکستم و آمدم شاخ چپ را دادم دست بابای سوفیا.

بابای سوفیا گفت: اینکه چیزی نبود. برو وسط خورشید و یک قطعه سنگ گداخته فضایی بردار و بیاور تا بهت دختر بدهم.

گفتم: الان. و همین‌طوری تن‌لخت، پریدم خورشید و با یک قطعه سنگ گدازان خورشیدی برگشتم و دادم دست بابای سوفیا.

بابای سوفیا گفت: اینکه چیزی نبود. اگر راست می‌گویی با دماغت روی زمین بنویس قسطنطنیه.

گفتم: بفرما. و نوشتم قسطنطنیه. بعدش هم با دماغم نوشتم بابای سوفیا.

بابای سوفیا گفت: دستت درد نکنه اسم من را هم نوشتی. پس حالا که این‌قدر پسر فرزی هستی، شرط من این است؛ اگر که کاری کنی این پول‌هایی که قوه‌قضائیه و قوه‌مجریه درباره‌ش حرف می‌زنند، تا فردا تعیین‌تکلیف شود و شفاف‌سازی هم بشود و مردم هم بفهمند دقیقا چی‌به‌چی است، بیا من سوفیا را بهت می‌دهم.

گفتم: ببببب... . اااممممما... .

بابای سوفیا گفت: پس اگر تکلیف آن پول‌های پرونده سازمان تأمین اجتماعی و حکم متهمانش مشخص شد، بیا.

گفتم: آآآآآخخخخ... . آخهههه...

بابای سوفیا گفت: پس برو وقتی بیا که فقر و فساد و بی‌کاری ریشه‌کن شد.

گفتم: وووووولی...

بابای سوفیا گفت: پس برو وقتی تلویزیون برنامه خوب پخش کرد و من زدم کانال ایران، بیا.

گفتم: خب بگو نمی‌خواهم بهت دختر بدهم دیگر. اه.

اتفاق

جایزه مهتاب اهدا می‌شود

• جایزه مهتاب میرزایی روز سه‌شنبه، ۲۸ دی در مرکز فرهنگی شهرکتاب اهدا می‌شود. در همین روز کتاب «شاه، بی‌بی، سرباز» نوشته ولادیمیر ناباکوف با حضور مترجم، رضا رضایی، از همکاران نگاه نو نیز برگزار می‌شود. این برنامه از ساعت ۱۶:۳۰ در خیابان محمدقصیر - نبش خیابان سوم برگزار می‌شود.

نکته

مهلت ارسال آثار به «تصویر سال» تمدید نمی‌شود

• **ایسنا:** مهلت ارسال آثار به جشن «تصویر سال» قطعا تمدید نخواهد شد. سیف‌الله صمدیان می‌گوید: «قرار بود امسال مهلت ارسال آثار تا ۱۵ دی‌ماه باشد، اما چون پنج روز دیرتر امکان آپلود آثار فراهم شد، آن پنج روز تأخیر را گذاشتیم این طرف و تا ۲۰ دی‌ماه مهلت ارسال آثار به «تصویر سال» را تمدید کردیم». صمدیان همچنین تأکید کرد: «این فرصت به‌هیچ‌وجه تمدید نخواهد شد و این آخرین فرصتی است که به علاقه‌مندان دادیم و امیدوارم طبق معمول، حداقل امسال طبق عادت شیرین و کشنده دقیقه ۹۰ رفتار نکنیم. ما زمان کمی برای بررسی آثار داریم و اول اسفندماه نیز باید همه آثار چاپ‌شده روی دیوار باشند». او افزود: «امیدوارم به وقت یکدیگر احترام بگذاریم و علاقه‌مندان در این فرصت باقی‌مانده تا قبل از ۲۰ دی‌ماه و نه در دقیقه ۹۰، آثارشان را برای دبیرخانه «تصویر سال» بفرستند. از اول تا بیستم اسفندماه نیز طبق توافق هرساله‌ای که جشن «تصویر سال» با مدیر خانه هنرمندان ایران دارد، تمام فضاهای این مجموعه در اختیار «تصویر سال» قرار خواهد گرفت». امسال در کنار نمایشگاه سالانه در رشته‌های عکاسی، گرافیک و کاریکاتور و فیلم، علاوه بر دو شاخه عکاسی «ایران ما» و «موبایلی»، بخش ویژه‌ای با عنوان «مادربزرگ و پدربزرگ ایرانی» در نظر گرفته شده است.

همچنین «عباس کیارستمی» عنوان بخش ویژه بزرگداشت در چهاردهمین دوره «جشن تصویر سال» و «جشنواره فیلم تصویر» است که با همراهی سی‌وپنجمین جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار می‌شود. تمام عکس‌ها و آثار گرافیکی، کاریکاتورها و فیلم‌ها با موضوع عباس کیارستمی به‌صورت نمایشگاهی مستقل در این بخش هم‌زمان با چهاردهمین جشن «تصویر سال» و جشنواره فیلم تصویر در خانه هنرمندان ایران ارائه خواهد شد. آثار منتخب بزرگداشت «عباس کیارستمی» به همراه برگزیده فیلم‌های دانشجویان کلاس‌های آموزش فیلم‌سازی کیارستمی در داخل و خارج از کشور، در بخش ویژه بزرگداشت کیارستمی، همزمان با سی‌وپنجمین جشنواره جهانی فیلم فجر در پردیس چارسو - اول تا هشتم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ - نمایش داده خواهند شد. آثار این بخش علاوه بر ارائه در نمایشگاه «تصویر سال»، به‌صورت مجموعه‌ای مستقل منتشر خواهند شد.

کارتون خواب

محسن نوری‌نجفی

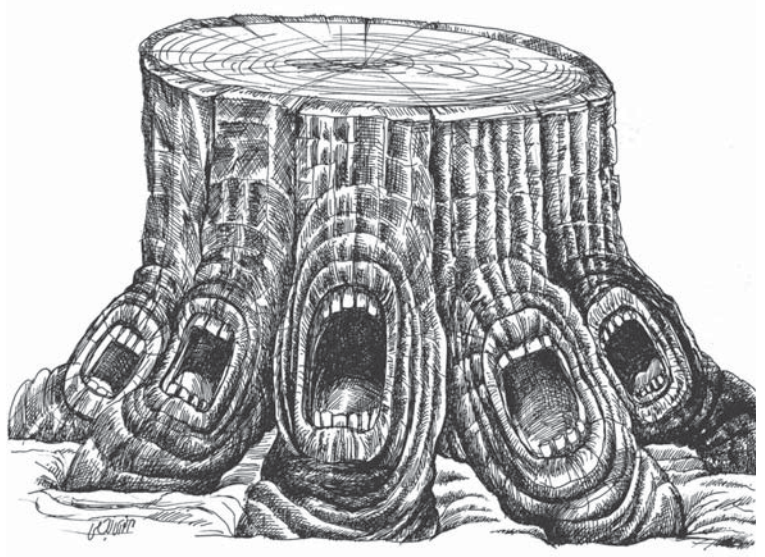

آکادمی

«جوامع نوآوری»، راهکار آینده‌ای مطلوب!

وحید شامخی*

کتابخانه عمومی نیویورک، یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های دنیاست و سالانه حدود ۱۸میلیون نفر بازدیدکننده؛ از کودکان و پرستاران آنها گرفته تا توریست‌ها، پژوهشگران، نویسندگان معروف و افراد سال‌خورده دارد. بودجه سالانه این کتابخانه حدود ۳۰۰ میلیون دلار برای مدیریت کتابخانه مرکزی به‌علاوه ۹۳ کتابخانه زیرمجموعه آن است، اما، مسئولان کتابخانه چندسالی است که متوجه تحولات و تغییرات عظیم نوآوری‌های دیجیتال (کتاب الکترونیکی، گونه‌های جدید کالاهای فرهنگی و...) در کنار تحولات اجتماعی شده‌اند که کتابخانه‌های عمومی را تحت‌تاثیر قرار داده و نیاز به یک بازنگری جدی در استراتژی‌ها و پیاده‌سازی آنها وجود دارد. ایجاد تحول در یک مجموعه نسبتا تاریخی، کار ساده‌ای نیست. در همین راستا سؤالی مطرح شد که چه‌کار می‌شود کرد تا مجموعه کتابخانه چابک‌تر شده و بتواند پاسخ‌گوی نیازهای گوناگون کاربران امروز باشد؟ به‌همین‌منظور در سال ۲۰۱۴، تصمیم جالبی گرفته شد. از همه پرسنل کتابخانه (بیش از دوهزارو ۵۰۰ نفر) دعوت شد تا برای شکل‌دادن آینده کتابخانه با مدیران ارشد به گفت‌وگوی استراتژیک بنشینند. این گفت‌وگو نه بالا به پایین بود و نه پایین به بالا، بلکه فرصتی بود تا افراد صاحب ایده و خلاقیت، ایده خود را طراحی و تست کرده و از تأثیر آن دفاع کنند، اما چطور می‌شود این تعداد از پرسنل را برای چنین فعالیتی مدیریت کرد؟ راهکار منتخب، استفاده از «جوامع نوآوری» بود. جوامع نوآوری از راهکارهایی است که در چند سال اخیر پررنگ‌تر شده و تلاش ایجاد گفتمان‌های نوآورانه در حوزه‌های مشخص است. در همین راستا کتابخانه عمومی نیویورک، سه جامعه نوآوری با موضوعات گردش کتاب‌ها و مدارک، جمع‌آوری کتاب‌ها و مدارک جدید برای کتابخانه و بخش مراجع را شکل داد. هر یک از سه جامعه نوآوری نیز خود سه حلقه درونی داشت؛ حلقه اول یا اصلی، متشکل از پنج تا هفت نفر که به صورت هفتگی برای شش ماه مسئول شناسایی، طراحی و تست ایده‌های جدید شدند. حلقه دوم یا آزمایشگرها، حدود ۵۰ نفر که صرفا مسئول تست ایده‌های جدید شدند و حلقه سوم که مسئولیتشان مشارکت در گفت‌وگوها و جلساتی بود که از سوی دو حلقه اول شکل می‌گرفت. در این شش ماه، مواقعی بود که اعضای تیم‌ها فعالیت‌هایی را انجام می‌دادند که با آن کاملا بیگانه و ناآشنا بودند؛ برای مثال جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن یا «پویش محیطی» و همچنین دستاوردهای درخورتوجهی در این شش ماه به دست آمد؛ برای مثال در بحث گردش کتاب‌ها و مدارک راهکاری به دست آمد که تا ۲۰ درصد زمان برای نفر بعد در صف انتظار استفاده از آن مدرک، کاهش می‌یابد و مقرر شد همه دستاوردها و نتایج در تمام زیرمجموعه‌ها، تا انتهای سال ۲۰۱۷ پیاده‌سازی شود. هم پرسنل و هم مدیران ارشد ابراز کردند که بسیار فعالیت لذت‌بخشی را تجربه کرده‌اند، تا حدی که حتی به فکر برگزاری و اجرای دور دوم این تجربه افتاده‌اند. این تجربه، حس تعلق پرسنل را نسبت به کتابخانه و محل کارشان به‌شدت افزایش داد (پرسنل کاملا احساس کردند که نقش مؤثری در شکل‌دهی آینده شغل و محل کارشان دارند درحالی‌که تا پیش از آن احساس جدابودن و گوشه‌گیری از مجموعه‌های دیگر یا کتابخانه مرکزی را داشتند). همچنین مدیران ارشد متوجه شدند که دقیقا چه اتفاقات و فعالیت‌هایی در کتابخانه و به‌اصطلاح روی زمین (و نه در تخیل و اهداف انتزاعی) در جریان است (استرانگ و کندی، ۲۰۱۶). حداقل دو نکته درباره فعالیت این کتابخانه عمومی وجود دارد؛ یک، متوجه شدند که دیگر وقتش است خود را به‌روز کنند قبل از اینکه دیر شود (مانند شرکت کداک که دیر تحول دوربین و عکاسی دیجیتال را پذیرفت). همه ما هم تغییراتی را در اطراف خود حس می‌کنیم که باید تا قبل از آنکه دیر شود، خود را به‌روز کنیم (برای مثال آموزش در مهدکودک‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها). دو، در به‌روزرسانی خود متکی به یک نگاه از بالا به پایین یا یک فرد نماندند، بلکه تمام تلاش خود را کردند تا هر فردی که صاحب ایده است در این تغییر و ساختن آینده نقش داشته باشد. جوامع نوآوری مفهوم تازه‌ای است که ما هم باید بیشتر از گذشته به آن بپردازیم و استفاده از این مفهوم تنها در عرصه سازمان یا اجتماع نیست، بلکه حتی می‌توانیم در تصمیمات زندگی خانوادگی از این مفهوم بیشتر بهره ببریم. وقتی تک‌تک ما در ساختن تصویر آینده‌مان نقش داشته باشیم، احتمال تحقق آن آینده مطلوب بیشتر خواهد شد.

* مشاور حوزه مدیریت استراتژیک تکنولوژی

تجربه دیگران

بردگی سحر در دست زورمندان

هرات، اخترماکوئی: خبری در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی افغانستان دست‌به‌دست می‌شود که «خبر» از نقل آن شرمسار است و از بیان آن عاجز. خبر از استان شمالی تخار است؛ «دختری که درحال‌حاضر ۱۵ سال دارد، از سه سال پیش از سوی افراد مسلح غیرمسئول دزدیده شده و سپس از وی به‌عنوان برده جنسی استفاده می‌کرده‌اند». خبر و کلمات شرمسارند. «او در مدت سه سال پیوسته از سوی ۹ نفر مورد تجاوز قرار می‌گیرد، یک‌بار هم باردار می‌شود، اما سقط می‌کند». رسانه‌ها می‌گویند که سحر ۱۵ساله برای بار دوم شش‌ماهه باردار است. «خبر» روی نقل اتفاق را ندارد. خبر بغض دارد و برای دختربچه ۱۳ ساله‌ای ماتم گرفته است که سه سال را به‌جای مدرسه، در کنار ۹ «تفنگ‌سالار» سپری کرده است.

«پس از اینکه او از دست آن تفنگ‌سالاران آزاد می‌شود، زورمندان محلی بر ارگان‌های امنیتی فشار می‌آورند تا این دخترک را با یکی از همین زورمندان عقد و همه از جرمشان فرار کنند». پلیس دست‌داشتن در این موضوع را رد می‌کند و می‌گوید که این افراد به او مواد مخدر هم به‌زور می‌داده‌اند. پلیس گفته که از آن ۹ نفر، دو نفر را بازداشت کرده و در تعقیب هفت نفر دیگر است. با رسانه‌ها که صحبت می‌کند و از سرگذشتی که چند تفنگ‌سالار بر وی روا داشته‌اند، می‌گوید؛ صورتش را شطرنجی نشان می‌دهند که مبادا هویتش افشا شود؛ همان کاری که آن افراد با وی انجام می‌دادند، آنها برای اینکه هویت سحر لو نرود، لباس پسرانه تنش می‌کردند و با خود بیرون می‌بردند و از آنجایی که گفته‌اند او را وادار به مصرف مواد مخدر می‌کردند، حتما توانایی فرار نداشته است. این خبر را وزارت زنان هم تأیید می‌کند: «تعدادی از مقامات امنیتی این ولایت، در قضیه تجاوز به دختر ۱۵ساله‌ای به‌نام سحر دست دارند». مسئولان اداره محلی زنان هم به رسانه‌ها گفته‌اند که مسئولان این اداره از سوی پلیس تهدید شده‌اند تا این موضوع را پنهان نگه دارند». این خبر با واکنش شدید کاربران افغان همراه بوده است: «انسانیت مرده است. این یاغی‌ها از صلاحیت نسبی‌ای که دارند، سوءاستفاده کرد و هرگونه کار غیرانسانی را انجام می‌دهند. کجاست دولت؟ کجاست ارگان‌های عدلی و قضائی؟ چرا ارگان‌های امنیتی نخواسته‌اند که این موضوع افشا شود. آیا قانونی وجود دارد؟» این نظر یکی از کاربران دراین‌باره بود؛ از این نظرها بسیار است. کسانی که این خبر را در سال ۲۰۱۷ خوانده‌اند و شوکه شده‌اند بسیارند. یکی از کاربران نوشته: «در کشوری که قانون نباشد و کار به اهلش سپرده نشود، چنین جنایتی برایشان عادی است». سحر درحال‌حاضر در یکی از «خانه‌های امن» به‌سر می‌برد. هفته گذشته نیز تصویر پیرمردی گریان روی صفحه تلویزیون‌ها ظاهر شد و می‌گفت که فردی زورمند به خانه او آمده است و دخترش را با خود برده است و از دولت خواهان رسیدگی به این موضوع بود و می‌گفت که اگر به این موضوع رسیدگی نشود، خود و خانواده‌اش را مقابل دادستانی آتش خواهد زد.

یادداشت

نباید بیمی از تروریسم جاهلانه داشت

فریدون مجلسی

بار دیگر خبر انفجاری شدید در استانبول، این بار در یک باشگاه شبانه، با بیش از صد کشته و زخمی، موجب نگرانی و ماتم شده است. توریسم، بزرگ‌ترین منبع درآمد ترکیه است. اکنون دیرزمانی است که رشد اقتصادی ترکیه روندی منفی یافته است، با این‌گونه عملیات‌های متعصبانه و جاهلانه ضربه دیگری به صنعت توریسم ترکیه، در یکی از زیباترین شهرهای جهان، در چهارراه واقعی میان قاره‌ها وارد می‌شود. زیان به همسایه، زیان به ماست و باید متأسف و نگران باشیم. باید ریشه جهالت و جنایت خشکانده شود. تعصب بیماری وحشتناکی است که وقتی بروز کند، نشانه‌هایش رو به شدت و خشونت بیشتر می‌گذارد. شدت عمل نزد ناآگاه‌ترین مردمان، قدرت تلقی می‌شود و قدرت جذابیت دارد و می‌تواند جاهلانی را به خود جذب کند. تاکنون نیز چنین کرده است.

کمتر از یک سال پیش در جایی نوشتم: «وقتی در میدان تقسیم در استانبول تظاهراتی از سوی حامیان طبیعت و میراث فرهنگی ترکیه برپا شد که با ساخت‌وساز مرکز تجاری در آن پارک قدیمی مخالف بودند، و زمانی که نخست‌وزیر اردوغان در سفر بود، رئیس‌جمهور کُل و معاون نخست‌وزیر به میان مردم آمدند و سخنان آنان را شنیدند و منطقی یافتند و پذیرفتند که از آن کار منصرف شوند و برنامه ساخت‌وساز را در جای دیگری اجرا کنند، شورش و خروش فرو خوابید و اوضاع ظاهرا به‌خوبی پیش می‌رفت، که ناگهان آقای اردوغان از سفر بازگشت و بی‌آنکه ملاحظه رئیس‌جمهور و معاون خودش را بکند، مانند سرداران سنتی شرقی که نگران زیادشدن «روی ملت» باشند، آن قول‌ها را بی‌اعتبار کرد و برای اثبات حقانیت خود و اتکایش به ملت، مردمانی از عوام‌الناس را با اتوبوس و قطار و کشتی از روستاها به استانبول آورد. سیاهی‌لشکر بزرگی به راه انداخت، با شعارهای تندوتیز که چنین و چنان خواهیم کرد هرکس را که بخواهد در راه پیشرفت مام میهن به بهانه‌های روشنفکرمآبانه سنگ‌اندازی کند». تکیه به جاهلان خطرناک است. اکنون نه آقای گل رئیس‌جمهور است و نه آقای داوودا‌وغلو بر سر کار، اکنون آقای اردوغان همه را سرکوب کرده و بر مسند قدرت است، اما تنهاست. آن عوامی که مزه قدرت‌نمایی را چشیده بودند، مانند بومرنگی که به سوی پرتاب‌کننده بازگشته باشند، پس از تجربیاتی که به عنوان ابزار خشونت در عملیات داعشی آموخته‌اند، به پرتاب‌کننده بازگشته‌اند. تندروهای داعشی ترکیه و عناصر تندروی وارداتی که با توافق آتش‌بس جدید در سوریه آینده‌ای برای خود نمی‌بینند، برای نمایش قدرت و شاید گرفتن مهلت یا امتیازاتی، به ارعاب متوسل شده‌اند، که تنها روشی است که با آن آشنایند. نمی‌دانند که تیغشان کند شده است و اکنون شرق و غرب به این نتیجه رسیده‌اند که این بیماری، که برای همه خطرآفرین است، باید ریشه‌کن شود. اکنون در ترکیه همه ملت خواهان پایان‌دادن به این شر هستند. در این مبارزه اردوغان تنها نیست. همسایگان و روسیه و اروپا و آمریکا نیز خواهان آرامش و تسکین هستند. ترکیه در توسعه اقتصادی نمونه بود، اکنون برای بازگشت به مسیر توسعه تجربه بزرگی آموخته است. با التهاب و ماجراجویی و جاه‌طلبی نمی‌توان به هدف اصلی یعنی توسعه اقتصادی و رفاه عمومی دست یافت. باید جاهلان بی‌کفایت را از میان برداشت و جا را برای شهروندان فرهیخته باز گذاشت، باید با همکاری اقتصادی و صنعتی منطقه‌ای و جهانی به توسعه‌ای دسته‌جمعی دست یافت. مشارکت سیاسی هرچه‌بیشتر و گریز از انحصارطلبی‌های انزواآفرین و آشتی ملی می‌تواند راه‌های برون‌رفت از بحران باشد. نباید بیمی از تروریسم جاهلانه و تردیدی در مبارزه با آن به دل راه داد.

کودکی

بازکردن قفل امکانات ذهن کودک

محمدهادی محمدی

این روزها بازار نقد یا اندرزهای حکیمانه برای بهبود وضعیت پیش‌دبستانی در ایران سکه است. سخنان یا نوشتارهایی که در این زمینه در نشریات یا شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند، یک ویژگی مشترک دارند. هیچ‌کدام راه‌حل ارائه نمی‌دهند. گروهی دولت را نقد می‌کنند که از سلطه بر نظام آموزشی دست برنمی‌دارد و گروهی دیگر که البته بیشتر در سازمان‌های غیردولتی فعال هستند، به دنبال راه‌حل‌های شاعرانه می‌گردند؛ راه‌حل‌هایی مانند اینکه کودکان در دوره سنی پیش‌دبستان نیاز به هیچ آموزشی ندارند و باید مانند گیاه صحرایی، آزاد و خودرو رشد کنند. این سخنان به‌ظاهر عالمانه از هر دو سو در زمانه‌ای به گوش می‌رسد که جهان امروز سرشار از نظریه‌ها و راهبردهای بنیادین برای آموزش کودکان در دوره پیش‌دبستان است.

از این نظریه‌ها هم کم‌وبیش در ایران منتشر می‌شود؛ از جمله بیش از سه دهه است دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده، مترجم و محقق فرهیخته، می‌کوشد یکی از غول‌های این عرصه یعنی «لو ویگوتسکی» را به جامعه روان‌شناسان و تعلیم و تربیت این سرزمین بشناساند. اندیشه‌های ویگوتسکی و مفسرانی که این اندیشه‌ها را تفسیر می‌کنند، دشوار است. جامعه ما هم چندان به ژرف‌کاوی عادت ندارد. در این دوره نه حق ویگوتسکی در جامعه ما ادا شد و نه حق کسانی که کوشیدند این اندیشمند بزرگ را به جامعه معرفی کنند. در جهان امروز چه در شرق و چه در غرب، ویگوتسکی را هم‌ارز ژان پیاژه می‌شناسند. با اینکه این دانشمند در ۳۸سالگی و در عصر تاریک استالین چشم بر جهان فروبست، اما اندیشه‌های او چند دهه بعد هم از سوی دانشمندان خودی و هم از سوی دانشمندان غربی دوباره بازیابی شد. ویگوتسکی خود به طور مستقیم درگیر آموزش کودکان نشد، اما از نظریه‌ها و کاوش‌های او درباره ذهن کودکان چنان اندیشه‌های راهبردی برای آموزش‌وپرورش کودکان پیش‌دبستان به دست آمد که امروزه بخشی از پیشرفته‌ترین نظام‌های آموزش‌وپرورش پیش‌دبستان در جهان بر پایه این اندیشه‌ها شکل گرفته است. از سوی دیگر، باید صد افسوس برای خودمان بخوریم که چرا همین نظام کوچک پیش‌دبستانی در ایران و به‌ویژه سازمان بهزیستی و آموزش‌وپرورش پیش‌دبستان، نسبت به اندیشه‌های این دانشمند بزرگ این‌گونه بی‌تفاوت هستند. خوشبختانه امسال کتابی به نام «کلید یادگیری، آموزش کودکان سه تا هفت ساله با رویکرد ویگوتسکی» بر پایه دیدگاه‌های این اندیشمند بزرگ از سوی مترجمی دیگر به فارسی ترجمه و منتشر شده است که می‌تواند در گام اول نشان دهد تا چه میزان یک برنامه جامع و عملی می‌تواند نظام پیش‌دبستانی ما را دگرگون کند و در گام دوم همین برنامه عملی و کاربردی برای هر مهد، کودکستان یا مرکز پیش‌دبستانی می‌تواند تا چه اندازه راهگشا باشد. درحقیقت آن چیزی که وضعیت پیش‌دبستانی را در ایران بسیار زیر فشار گذاشته است، تکیه‌کردن سازمان بهزیستی بر منابع برخی از مؤلفان داخلی است که مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را در کتاب‌های چندگانه گردآوری کرده‌اند که اگرچه در جای خود خوب است، اما این کتاب‌ها به دو دلیل روزآمدنبودن و نداشتن رویکرد کلان هیچ‌گاه نمی‌توانند جای کتاب‌های کاربردی و راهبردی مانند «کلید یادگیری» را بگیرند. اگر بخواهیم در یک عبارت اهمیت راهبرد و رویکرد ویگوتسکی را در آموزش‌وپرورش پیش‌دبستانی بازگو کنیم، فقط باید از خود او کمک بگیریم که «بازکردن قفل امکانات ذهن کودک» را کلید رشد همه‌جانبه کودکان می‌داند. در کتاب «کلید یادگیری» ما با نظریه‌ها و تفسیرهای پیچیده‌ای از این اندیشمند روبه‌رو نیستیم، بلکه برنامه‌ای بسیار عملی را تجربه خواهیم کرد که در هر فضا و وضعیت و با هر امکاناتی قابل دستیابی است. کتاب‌هایی مانند «کلید یادگیری» چیزی است که نظام پیش‌دبستانی ما به آن نیاز دارد تا شاید از سخنان آغشته به پندهای حکیمانه یا نقدهای بدون راه‌حل بگذریم و اندکی به بهبود نظام پیش‌دبستانی ایران کمک کنیم. اکنون جامعه چنان نیاز به کارهای بنیادی و ژرف دارد که لحظه‌ای غفلت از این امر، سوزاندن فرصت‌های هرچند اندک برای خردسالان امروزی است.

پیشنهاد

نامداران تهران در کتاب‌فروشی‌ها

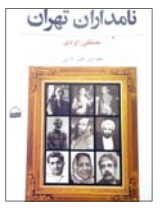

کتاب نامداران تهران با تحقیق مصطفی ایزدی در دو جلد و بیش از هزاروصد صفحه و قیمت ۳۵ هزار تومان از سوی نشر کویر منتشر شده است؛ کتابی که می‌تواند فرصت خوبی برای شناسایی افراد مطرح متولد شهر تهران از دیرباز تاکنون باشد. دکتر ناصر تکمیل‌همایون در مقدمه این کتاب آن را چنین توصیف کرده است: «تلاش‌های به کاررفته در تهیه این کتاب، در مسیر تاریخ‌نگاری خاص بوده است و فزون بر عدالت‌خواهی و صداقت‌گرایی نویسنده، ریشه در فرهنگ شهرنامه‌نگاری و علم رجال دارد که در جهان اسلام اعتبار بسیاری داشته است». نویسنده نیز در ضرورت تهیه این کتاب معتقد است: «تهران یک دانشنامه است» و تأکید می‌کند: «بعضی بر این باورند شهر تهران از نداشتن هویتی واقعی در رنج است، ولی به باور نگارنده، این شهر بزرگ، در بخش نیروی انسانی، هویتی افتخارآمیز دارد که درحال‌حاضر در دیگر شهرهای مهم ایران، این‌گونه نیست».

رونمایی از گیاه‌شناسی شریعتی

کتاب گیاه‌شناسی، اثری از دکتر علی شریعتی در کتاب‌فروشی دف با حضور مهندس محمد توسلی و غلامرضا امامی رونمایی می‌شود. این اثر دکتر شریعتی با طرح‌هایی برگرفته از هنر ایرانی به شکلی جدید تدوین شده است. کتاب «گیاه‌شناسی» دکتر علی شریعتی با تصویرگری و طراحی گرافیک شادی تاکی ازسوی انتشارات قلم به چاپ رسید. این کتاب با تصویرگری و صفحه‌آرایی متفاوت طراحی و به دو زبان فارسی و انگلیسی برای مخاطبان ارائه شده است. این کتاب جمعه، ۱۷ دی ۱۳۹۵ در محل «نشر دف» رونمایی خواهد شد. پل سیدخندان، خیابان میرمطهری، حدفاصل بین شریعتی و سهروردی، پلاک ۶۴، طبقه اول؛ کتاب‌فروشی دف با شماره تلفن ۸۸۵۰۱۶۴۶ میزبان علاقه‌مندان این اثر است. علاقه‌مندان می‌توانند ساعت ۱۷ الی ۱۹ روز جمعه برای رونمایی حضور یابند.